

فصل: ۹۵۳۲۱۱ علی اربابی بیمارستان زخمیر

به خرج می‌داد و کار این روشنفکری را به حد افراط رسانیده بود خلیفه دوم است. خلیفه دوم به اصطلاح خیلی روشنفکر مایلانه کار می‌کرد اما تندرستی‌هایش گرفت. مثلاً یک جا پیغمبر دستور داده بود و او می‌گفت این موضوع فقط برای پیغمبر و زمان خودش بود ولی زمان ما تغییر کرده است و ما این را عوض می‌کنیم. البته ممکن است یک نفر شده یا احیاسات ضد خلیفه‌ای که دارد. این را به حساب قصد و شرهه زمین‌های عمدی بگذارند. بگویند فقط مقصودش مخالفت با پیغمبر بوده است. ولی اگر نخواهیم این‌چنین بگوییم، طوری بگوییم که برای طرفداران خلیفه هم قابل قبول باشد، باید بگوییم که اینها خطاها و اشتباهاتی است که از سر آمده است.

مثلاً در آنان، فصول آنان را خود پیغمبر اکرم دستور و تعیین فرموده است. یکی از آن فصول حتی علی خیر العمل است. معنی این فصل این است: در دیوار به بهترین اعمال که نماز است، زمان خوابت عصر می‌رسد، زمانی که دنیای اسلام عجب نیازمند به جهاد است و مسلمین در مقابل خود دو جبهه بسیار بزرگ دارند: یکی ایران و دیگری روم که مقتدرترین کشورهای روی زمین هستند. با توجه به عده مسلمانها که بیش از جهل پنجاه هزار نفر نبودند و یکدفعه با تمام دنیا اعلان جنگ داده‌اند. مثل این است که یک کشوری مثل ایران یک تپولی در آن موجود بیاید و با دو مملکت بزرگ دنیا یعنی آمریکا و شوروی اعلان جنگ بدهد که در واقع اعلان جنگ با دنیاست. روی همین حساب است که آخرین اربابانی اتفاق کلمه دارند که اگر نیروی عظیم ایمان در این مردم نبود چنین چیزی محال بود. هرچه باشد این یک سری استیسه باشد. اصلاً برای اعلان ایمان هر آن عصر احتیاج مسلمانها به سرباز و سربازی خیلی زیاد بود و می‌بایست روحیه سربازها قوی باشد و اعتقاد داشته باشند و جهاد را اصلی لازم و واجب بدانند.

فکری در دفاع خلیفه پیدا شد، گفته می‌شد خیر العمل را از آنان بردارند، چون به روحیه سربازی شرهه می‌زدند و وقتی که فراد برآورده که روی به نماز بیایند چون نماز بهترین اعمال است، دیگر سرباز فکر می‌کند که نماز از جهاد بهتر است، همیشه در فکر نماز می‌مانند است. از جهاد اجرائی می‌کند. لذا گفت این را بردارید و بجای آن بگویید: اصولاً خیر من انوم نماز از خوابیدن بهتر است. با اعتقاد سربازها نسبت به عظمت و اهمیت جهاد در

خواننده گرامی در ویژه نامه قبلی (کد ۹۵۰۶) به این موضوع هم پرداختیم که «چرا شیعیان مانند اهل تسنن دست بسته نماز نمی‌خوانند؟» و اینکه سنت پیامبر (ص) در این رابطه چه بود؟. حال در این ویژه نامه می‌خواهیم در حد مبسوط این موضوع را ریشه یابی کرده و اینکه چرا خلیفه دوم (عمر بن خطاب) به خود اجازه وضع چنین قانونی را داد؟

افراط و تفریط ها
و گنگانج جملاتمان آمد وسطاً لکنوناً شیخاًد علی الناس و یکنون الرسول علیکم شیخاً (بقره-۱۲۶) «مانگنونه» که قبله شما یک قبله میانه است» و شما را سر ولایت میانه ای قرار دادیم (در حد اعتدال) ، میان افراط و تفریط) تا بر خردم گواه باشید و پیامبر هم بر شما گواه باشد.
یکی از خاصیت‌های بزرگ دین مقدس اسلام اعتدال و میانه روی است. تمام قرآن کریم است اسلام را به نام «امت وسطه» نامیده

- ۱. استادی مطهری فرمات کردی در امر مبارزه با اعراب جهالت پدیده که
- ۲. لا اکر و فصول آنان را خود پیغمبر اکرم تعیین فرمود
- ۳. اینه بود و بعضی بنده ای که اینها را می‌خواند می‌گوید که خیر العمل را از آن حذف کرد که وقتی که نماز به روحیه سربازی شرهه می‌زد
- ۴. امارت و حکومت خیرین خود از زمین خسته اوله جانی سعادت می‌شد خیر العمل خود استفاده فرماد

است و این تعبیر، تعبیر بسیار عجیب و فوق العاده‌ای است. امت و قوم و جمعیتی که واقعاً و حقیقتاً دست پرورده قرآن کریم باشند، از افراط و تفریط، از کثرتی و تندرستی، از خیر روی و راست روی، از همه اینها بر گزارند. تربیت قرآن همیشه اشکال و میانه روی را ایجاد می‌کند. در موضوع ارتباط با مقتضای زمان یکی فکر افراطی وجود دارد و یک فکر تفریطی و یک فکر معتدل بعضی از جریانهای فکری در عالم اسلام از همین نظر وجود پیدا کرده است که برخی افراطی و برخی تفریطی بوده، یکی با تندرستی بیجا و با کثرتی بیجا بوده است. استاد شهید مطهری می‌فرماید: من اسم آن تندرستی‌ها را «جهالت» گذاشته‌ام و اسم این کثرتی‌ها را «حمود» گذاشته و می‌گذارم. در این باره توضیح خواهیم داد.

روشنفکری های افراطی خلیفه دوم
یکی از کسانی که به قول امروزها در مسائل اسلامی، روشنفکری

راه خدا سبکست نشود. حساب مقتضیات زمان را کرد. آیا این حساب درست است؟ نه، اشتباه بود. چرا؟ به همین دلیلی که عرض کردم یک کسی می‌بایستی از خلیفه می‌پرسید که این سربازهای تو با این عده قلیل و کم‌اهمیتات کم چطور است که با کشورهای درجه اول دنیا می‌جنگند و پیروز می‌شوند؟ آیا این مربوط به عنصر عرب است که عنصر عرب از عنصر غیرعرب امتیازی دارد؟ اگر عنصر عرب است، عرب که تازه به وجود نیامده است، چندین هزارسال پیش هم بود. چرا تا آن موقع همیشه توسری می‌خورد؟ پس یک عامل جدید به وجود آمده است و آن ایمان به خداست. این شجاعت این قدرت، این نیرو را ایمان به این مومم اعظم است و ایمان را همین نماز تقویت و آبیاری می‌کند. شجاعت خودش را از همان الله اکبر و الحمد لله و بحسب الله دارد.

اگر پیغمبر فرمود: الصلوة عمود الدین یا فرمود: مثل این دین و نماز در این دین مثل خیمه‌ای است که سرپاست (خیمه چادر دار است. طبایع دارد، بیخ دارد، عمود هم دارد، عمود این خیمه نماز است) برای این بود که به آثار نماز آگاه بود، می‌دانست نماز بزرگترین عامل سعادت در روحیه افراد است، اگر نماز نباشد هیچ یکی از اینها وجود ندارد.

- ۱. در مورد نماز فقط نماز جهاد سلطه و دنیا را فراموش کرد و هیچ‌کس
- ۲. اگر در مورد جهاد
- ۳. اینه که خلیفه بگوید با منی که بعد از نماز جهاد سلطه و دنیا
- ۴. اینه که قرآن کریم بعد از نماز جهاد سلطه و دنیا روحی نشانی قوی تر شود و بعد بعد از خیمه شدن جهاد که
- ۵. اهمیت جهاد با نماز را بیشتر از نماز از جهاد سلطه و دنیا کرد

تو اگر خیال می‌کنی سرباز به خیال اینکه نماز از جهاد بهتر است جهاد را باها می‌کنند، این فکر غلط را از دماغ سرباز با بیان حقیقت امر بیرون کن و بگو نماز و جهاد لازم و ملزوم یکدیگرند، هیچ کدام جای دیگری را نمی‌گیرد، نه با نماز جهاد سلطه می‌شود و نه با جهاد نماز سلطه می‌گردد، باید نماز جهاد تا نیرو بیشتر شود و بهتر جهاد صورت گیرد استعینوا بالصبر و الصلوة چرا برای اهمیت جهاد، نماز را تحقیر می‌کنی و پایین می‌آوری به حدی که می‌گویی فقط از خواب بهتر است؟ به سرباز بگو نماز بخوان.